



University of Tehran Press

An Islamic Jurisprudential Examination of Term Deposits

Ali Saeli¹ | Mohammed Mohammed Ali^{2*} | Majid Rezaee³

1. Department of Jurisprudence (Fiqh), al-Mustafa International University in Qom, Qom, Iran E-mail: ali_saeli@miu.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Jurisprudence (Fiqh), al-Mustafa International University in Qom, Qom, Iran. E-mail: haeri.karbala@gmail.com
3. Department of Economics, Mofid University in Qom, Qom, Iran. E-mail: rezai@mofidu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 17 February 2024
Revised: 2 December 2024
Accepted: 1 April 2025
Published online 28 June 2025

Keywords:
bank transactions,
long-term deposits,
Riba,
Sharia contracts

ABSTRACT

The present study aims to examine the jurisprudential nature of long-term bank deposits. Employing a descriptive-analytical method and relying on library-based sources, the research explores the legal characterization of such deposits within Islamic jurisprudence. Although various forms of interaction between individuals and banks are possible, this study focuses specifically on the ambiguities surrounding long-term deposits. Some scholars argue that these deposits do not involve usury (riba) when framed within legitimate contractual structures such as agency (wakālah) or insurance. In other words, through the application and combination of Sharia-compliant contracts, it is possible to structure transactions between banks and customers in a manner that avoids the prohibition of usury. However, if evidence suggests that the underlying relationship is essentially a loan, then it must be treated as such according to Islamic legal principles. In such cases, any excess payment beyond the principal would be classified as riba and thus deemed impermissible.

Cite this article: Saeli, A.; Mohammed Ali, M. & Rezaee, M. (2025). An Islamic Jurisprudential Examination of Term Deposits. *Islamic Jurisprudential Researches*, 21, (2), 145-157. <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.372526.1009428>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.372526.1009428>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

بررسی فقهی ماهیت سپرده‌های مدت‌دار

علی سائلی^۱ | محمد محمدعلی^{۲*} | مجید رضایی^۳

۱. گروه فقه، مجتمع عالی فقه، دانشگاه المصطفی قم، قم، ایران، رایانامه: ali_saeli@miu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه فقه، مجتمع عالی فقه، دانشگاه المصطفی قم، قم، ایران، رایانامه: haeri.karbala@gmail.com

۳. گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه مفید قم، قم، ایران، رایانامه: rezai@mofidu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۷

هدف از پژوهش حاضر بررسی فقهی ماهیت سپرده‌های مدت‌دار بانکی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بود. گرچه بین مردم و بانک‌ها تعاملات متعددی قابل تصور است، به سبب ابهاماتی که در این نوع از سپرده‌ها وجود دارد پژوهش حاضر به دنبال بررسی ماهیت خصوص سپرده‌گذاری مدت‌دار بود که مشخص شد طبق قرارداد متشکل از وکالت و بیمه در این نوع از سپرده‌ها ربا وجود ندارد؛ به این معنا که با استفاده از عقود شرعی و ترکیب بعضی از آن‌ها با هم مشکل وجود ربا در معاملات مردم و بانک‌ها قابل حل است. ولی چنانچه از قرائنی یقین حاصل شود که معامله بانک و مردم از نوع معامله قرض است ناچار احکام قرض بر آن بار می‌شود و پرداخت هر گونه زیاده حرام و رباست. گرچه بزرگان و دانشمندانی از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی و محقق وارسته سید عباس موسویان در این زمینه تحقیقاتی ارائه کرده‌اند، به جهت خلاصه بودن مطالب و اهمیت بالای بحث، احساس نیاز به تحقیق مفصل‌تری می‌شود.

کلیدواژه:

ربا،

سپرده‌های مدت‌دار،

عقود شرعی،

معاملات بانک‌ها.

استناد: سائلی، علی؛ محمدعلی، محمد و رضایی، مجید (۱۴۰۴). بررسی فقهی ماهیت سپرده‌های مدت‌دار. پژوهش‌های فقهی ۲۱ (۲)، ص ۱۴۵-۱۵۷.
<http://doi.org/10.22059/jorr.2025.372526.1009428>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان



DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.372526.1009428>

مقدمه

با رواج پیدا کردن ربا در جامعه، وام‌های قرض‌الحسنه از بین می‌رود و مهر، محبت، عاطفه، و حس احسان و کمک به دیگران به فراموشی سپرده می‌شود و موجب پیدایش مشکلات روحی و روانی بسیاری می‌شود. چون غالباً پرداخت اصل مال و سود ربوی بیش از حد توان فرد است و همیشه این نگرانی را در پرداخت آن دارد و این دغدغه فکری او را آزار می‌دهد.

با رواج ربا، سرمایه‌دار به دنبال کسب و کار و تولید و فعالیت اقتصادی نخواهد رفت؛ از آن جهت که سرمایه‌گذاری در تولید و فعالیت اقتصادی همراه با ریسک است. اما دادن قرض ربوی هیچ ریسکی ندارد و سود مشخص را طلب می‌کند و تضمین مطمئنی را هم برای اصل و سود آن می‌گیرد و به سبب پرداخت ربا هر روز بر سرمایه قرض‌دهنده افزوده و از سرمایه مقتض کاسته می‌شود؛ تا جایی که دیگر توان مالی خویش را از دست دهد و ناچار به دنبال قرض ربوی دیگر برای تأمین قرض قبلی باشد و این امر منجر به شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود.

ربا بر دو نوع است: ربای در معامله و ربای در قرض. ربای در قرض به سبب زیادتی است که قرض‌دهنده طلب می‌کند و طبق اجماع علمای فریقین هنگام بازپرداخت بدهی هر زیاده‌ای که به اصل مال قرض‌داده‌شده اضافه شود ربا و حرام است (النجفی، ۱۳۶۵، ۲۵: ۵). و هر نوع زیاده‌ای ربا محسوب می‌شود؛ چه زیاده عینی چه حکمی. و در این رابطه به روایات گوناگونی استناد می‌کنند.^۱

البته زیادت در قرض در صورتی حرام است که از ابتدا شرط شود. ولی چنانچه بدون شرط قبلی مقتض زیاده‌ای به عنوان هدیه یا غرضی دیگر به قرض‌دهنده بدهد حرام نیست. و همان‌گونه که گرفتن ربا بر قرض‌دهنده حرام است، پرداخت ربا، شهادت بر آن، کتابت، و دلالی آن نیز حرام است.

در مواردی از جمله ربای پدر و پسر یا مرد و همسرش، که به سبب وجود دلیل گرفتن و پرداخت ربا استثنا شده است، به دلیل خلاف اصل حرمت ربا بودن، فقط به همان موارد اکتفا می‌شود و در استثنای موارد دیگر مثل ربای مردم و بانک‌ها نیازمند دلیل مستقل برای حلیت آن هستیم. و از آنجاکه معاملات مردم و بانک‌ها بسیار گسترده است و تمامی آن دچار شبهه ربا نیست، ناچار، بحث را بر یکی از معاملات بانکی که سپرده‌های مدت‌دار بانکی است متمرکز می‌کنیم.

سپرده‌ها از مهم‌ترین منابع بانک‌ها است و بدون آن موجودیت بانک توجیه‌پذیر نیست. زیرا سرمایه بانک‌ها در مقابل سپرده آن‌ها رقم ناچیزی است. از آنجا که معمولاً اعطای تسهیلات که یکی از راه‌های اصلی کسب درآمد بانک‌هاست از محل جذب سپرده‌ها تأمین می‌شود، لازمه این امر مجهز بودن بانک‌ها به منابع سپرده است (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۰).

برای اثبات موضوع ربوی بودن این معاملات بانکی، ابتدا باید ماهیت این نوع معاملات را بررسی کنیم و شرایط و ویژگی‌های آن را مشخص کنیم تا بتوانیم آن را با قرارداد قرض در فقه اسلامی مقایسه کنیم و چنانچه از نظر ماهیت و اساس همان قرض باشد، ناچار، احکام فقهی قرض بر آن بار می‌شود؛ والا بر اساس قواعد دیگر فقه اسلامی حکم مسئله بررسی می‌شود.

سؤال‌های تحقیق

۱. انواع سپرده‌های بانکی چیست؟
۲. دیدگاه اندیشمندان اسلامی درباره ماهیت سپرده‌های بانکی چیست؟
۳. مقتضای ادله فقهی نسبت به وجود ربا و عدم آن در سپرده‌های بانکی چیست؟

قالب‌های مختلف سپرده

همان‌گونه که اشاره شد، سپرده‌ها از مهم‌ترین منابع بانکی است و بدون آن موجودیت بانک توجیه‌پذیر نیست. از این رو مهم است انواع سپرده‌ها و ماهیت هر یک از آن‌ها از نظر فقهی بررسی شود تا مشخص شود هر یک از این سپرده‌ها بر کدام یک از عقود اسلامی منطبق هستند تا آثار و احکام مترتب بر آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. از جمله صحیحۀ محمد بن قیس از امام باقر (ع): «هر کس درهمی به دیگری قرض می‌دهد جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند.» (الطوسی، ۱۴۰۷، ۷: ۲۰۳).

حال قبل از پرداختن به دیدگاه و نظریات فقها و حقوق دانان، لازم است انواع سپرده های بانکی تعریف و تبیین شود و دیدگاه های مختلف در ماهیت هر یک بیان شود.

امروزه مردم با اهداف و انگیزه های گوناگونی برای وجوه مازاد خود برنامه ریزی می کنند و آن نظام پولی و مالی موفق است که بتواند متناسب با همه انگیزه ها راهکار ارائه دهد. به طور معمول، انگیزه هایی که برای صاحبان وجوه مطرح است بدین شرح است: ۱. حفظ و نگهداری وجوه مازاد؛ ۲. تسهیل در مبادله های پولی؛ ۳. کسب درآمد؛ ۴. مشارکت در ثواب معنوی اعطای قرض الحسنه؛ ۵. کمک به عمران و آبادانی کشور.

از طرفی هم بانک یک مؤسسه انتفاعی است که با سرمایه خود یا سپرده های مشتریان به منظور کسب سود اقدام به جمع آوری سپرده ها و دادن وام و اعتبار و خدمات بانکی می کند (مجتهد و حسن زاده، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

بانک ها عمدتاً سپرده های مردمی را تحت سه قالب کلی جمع آوری می کنند: الف) سپرده های قرض الحسنه جاری؛ ب) سپرده های قرض الحسنه پس انداز؛ ج) سپرده های سرمایه گذاری مدت دار.

بررسی ماهیت سپرده های مختلف بانکی

سپرده قرض الحسنه جاری

حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا ماهیت قرض دارد و به این گونه حساب ها هیچ بهره و سودی تعلق نمی گیرد. استفاده از حساب جاری، افزون بر حفظ پول در بانک، موجب تسهیل پرداخت ها و بی نیازی صاحب حساب از حمل و نگهداری وجوه نقدی می شود. بنابراین، وجوه جمع آوری شده از سوی این حساب ها، بر طبق ماهیت قرض، به ملکیت بانک درمی آید و از منابع بانک به حساب می آید. تنها اشکالی که ظاهراً بر این نوع از سپرده ها مطرح است عدم تطابق قصد سپرده گذار و وجه تسمیه آن است؛ با این توضیح که عنوان این سپرده در بانک قرض الحسنه است؛ در حالی که انگیزه و قصد سپرده گذاران صرفاً حفظ و نگهداری وجوه و تسهیل در مبادله های پولی از طریق خدمات بانکی است. بنابراین، به کارگیری نام «قرض الحسنه» با مقصود صاحبان سپرده مطابقت کامل ندارد.

سپرده قرض الحسنه پس انداز

حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز به حسابی اطلاق می شود که صاحب آن به قصد تعاون عمومی و کمک به نیازمندان و برخورداری از پاداش و اجر معنوی و برخورداری از انواع خدمات بانکی نزد بانک افتتاح می کند. به موجودی این حساب ها هیچ گونه سودی تعلق نمی گیرد. لیکن صاحبان حساب ها می توانند از هزاران جایزه ارزنده قرعه کشی این حساب ها بهره مند شوند.^۱ بنابراین این نوع از حساب ها ماهیت قرض دارند و این امکان را به مردم می دهند که وجوه مازاد بر نیاز خود را به هر میزانی باشد به بانک بسپارند و هرگاه نیاز داشتند از بانک دریافت کنند. افزون بر آن، صاحبان این حساب ها در امر قرض الحسنه اعطایی از طرف بانک مشارکت می کنند و از اجر و ثواب آخرتی آن بهره مند می شوند. وجوه این حساب نیز به مالکیت بانک درمی آید و جزء منابع بانک به شمار می آید. بانک ها برای تشویق مردم به پس انداز پاره ای اولویات، امتیازات، و جوایز را برای صاحبان این حساب ها در نظر می گیرند. در این نوع از سپرده ها به دلیل نبود بهره اشکال فقهی مطرح نیست.

سپرده سرمایه گذاری مدت دار

در این نوع از سپرده ها بانک ها بازپرداخت اصل سپرده سرمایه گذاری مدت دار را تعهد و منافع حاصل از آن را، طبق قرارداد، متناسب با مدت و مبلغ سپرده، با رعایت سهم منابع بانک، پس از کسر هزینه ها و حق الوکاله، بین صاحبان سپرده ها تقسیم می کنند.^۲ در این حساب ها میزان سود از ابتدا روشن نیست. اما به سبب گستردگی عمل و تنوع معاملات اطمینان هست که سود مناسبی عاید این وجوه

۱. بانک ملی، بخش خدمات بانکی، سپرده های قرض الحسنه پس انداز. <https://bmi.ir/fa/services/224>
 ۲ ← بانک ملی، بخش خدمات بانکی، سپرده های قرض الحسنه پس انداز. <https://bmi.ir/fa/services/224>

شود؛ طوری که بانک می‌تواند پیش از حسابرسی به آنان سود علی‌الحساب بپردازد (بهمنی، ۱۳۷۴: ۳۹، ۸۱، ۱۰۱). از آنجا که به این نوع از سپرده‌ها بهره تعلق می‌گیرد از حساسیت خاصی برخوردار است و از طرفی سخنی از ماهیت سپرده‌های بانکی به طور واضح و روشن در فقه اسلامی به میان نیامده است و همچنین در تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا فقط به طور اجمال اشاره‌ای به ماهیت آن شده است.^۱ از این رو فقها و حقوق‌دانان پیرامون تبیین ماهیت سپرده‌های بانکی نظریات مختلفی را مطرح کرده‌اند که به طور کلی می‌توان به چهار نظریه اشاره کرد:

الف) ماهیت مضاربه

طبق این نظریه، سپرده‌های سرمایه‌گذاری همراه با سود نوعی از انواع مضاربه بین سپرده‌گذار و بانک است که مشتری پول و سرمایه خود را به بانک می‌دهد تا بانک آن را در معاملات مقرر در قانون (شرکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، مزارعه و مساقات و جعاله و معاملات سلف و اقساطی و سرمایه‌گذاری مستقیم) به کار گیرد و در سود آن شریک باشد. طبیعتاً در اینجا تصمیم با عامل (بانک) است و مالک سپرده نظارتی بر کار او ندارد و نمی‌تواند برای انجام دادن معامله‌ای به او دستور بدهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ الف: ۳۴۶؛ علی‌شاهی قلعه‌جوقی و لطیفی، ۱۳۹۲).

در تعریف مضاربه آمده است مضاربه این است که کسی مالی را به دیگری بدهد تا با آن کار کند و خود نیز سهمی از سود را داشته باشد (التجفی، ۱۳۶۵، ۲۶: ۳۳۸) یا مضاربه عقدی است که در آن یکی از متعاملین سرمایه را تأمین می‌کند با شرط اینکه طرف دیگر با آن تجارت کند. همچنین دو طرف در سود آن شریک هستند. صاحب سرمایه مالک و فرد عامل مضارب نامیده می‌شود.^۲ میزان سهم هر طرف نیز باید ضمن عقد مضاربه مشخص شود. این سهم باید به صورت نسبت مشخصی از کل سود تعیین شود. به عبارتی باید به صورت نسبت کسری یا نسبت درصدی باشد؛^۳ مثل دو سوم یا ۴۰ درصد. بنابراین اگر میزان سهم هر یک از طرفین به صورت مبلغ مشخص ریالی تعیین شود، چنین قراردادی باطل است.

اگر مضاربه ضرر بدهد یا اصل سرمایه خسارت ببیند و عامل مقصر نباشد، خسارت و ضرر بر عهده عامل نیست. اما اگر بعد از آن سودی حاصل شود، ابتدا خسارت‌ها جبران می‌شود و اگر چیزی از سود باقی ماند تقسیم می‌شود. اگر مالک و عامل بعد از اینکه در قرارداد سودشان را به صورت درصد مشخص کردند قرار بگذارند که عامل ماهیانه مقدار مشخصی از سود را به صورت علی‌الحساب به مالک بدهد تا در پایان مضاربه یا بعد از مثلاً یک سال سود دقیق محاسبه شود، اشکال ندارد و بعد از محاسبه سود می‌توانند میزان کسری یا اضافی را جبران کنند یا اینکه نسبت به آن مصالحه کنند و چیزی اضافه از یک‌دیگر نگیرند. اگر در عقد شرط شود که مضارب خسارتی را که در معامله بر مالک وارد می‌شود جبران کند و از دارایی خود به مالک ببخشد، شرط صحیح است. مضارب نمی‌تواند سرمایه مالک را به شخص دیگری انتقال دهد تا شخص ثالث با سرمایه تجارت نکند. از آنجا که سرمایه متعلق به مالک در اختیار مضارب قرار دارد، مضارب نسبت به سرمایه امین شناخته می‌شود و مقررات مربوط به امانت نسبت به او جاری است.

بررسی و نقد

گرچه در این نوع از عنوان فقهی ربایی متصور نیست، چند اشکال بر قرارداد مضاربه سهام‌دار و بانک مطرح است که قبول این نظریه را به چالش می‌کشد:

اول. آنچه در بانک‌ها اتفاق می‌افتد در عنوان مضاربه خلاصه نمی‌شود. چون عملیات سپرده‌گذاری کلی‌تر و فراگیرتر از آن است که در مضاربه بودن خلاصه شود. بنابراین این عنوان فقهی گویای این عملیات بانکی نیست و باید طبق قاعده «العقود تابعه للقصود» (میرزای قمی، ۱۳۸۵، ۲: ۹۳۰) عنوان مقصود برابر آنچه در خارج اتفاق می‌افتد باشد.

۱ در تبصره ۳ آمده است: «سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آن‌ها وکیل است، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف، و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد».

۲. ماده ۵۴۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.

۳. طبق ماده ۵۴۸ قانون مدنی جمهوری اسلامی.

دوم. عامل و سرمایه‌دار در ضرر و خسارت‌ها شریک هستند. ولی در سپرده‌گذاری، بر فرض ضرر بانک در تجارت خود، سپرده‌گذار و صاحب سرمایه در ضرر شریک نیستند؛ مگر اینکه به طور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به مالک تملیک کند.^۱ و با توجه به اینکه شرط معامله باید به طرف قرارداد کاملاً تفهیم شود تا غرری پیش نیاید، اکثر مردم از وجود چنین شرطی بی‌اطلاع هستند.

سوم. سود حاصله از تجارت باید بین صاحب سرمایه و عامل تقسیم شود؛ درحالی که سود حاصله در بانک‌ها فقط به جیب سهام‌دار می‌رود و از این میان بانک فقط مزد دلالتی خویش را از سود حاصله برداشت می‌کند.

چهارم. طبق مبانی فقهی و حقوقی،^۲ مضاربه یک عقد جایز است. در نتیجه باید با فوت، جنون، یا سفه هر یک از دو طرف فسخ شود.^۳ ولی مضاربه‌ای که بانک بین سپرده‌گذار و خویش متعهد می‌شود تا پایان مدتی که دو طرف امضا کرده‌اند اعتبار دارد و منفسخ نمی‌شود؛ مگر اینکه گفته شود با شرط ضمن عقد این مشکل را بتوان حل کرد.

پنجم. عقد مضاربه به هدف تجارت منعقد می‌شود، درحالی که بعضی از مواردی را که بانک برای به‌کارگیری سپرده‌ها پیش‌بینی کرده است جنبه تجارتی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۷۳)؛ گرچه برخی از فقها قائل‌اند موضوع مضاربه اعم از تجارت با درهم و دینار است و اساساً مضاربه به معنی سرمایه‌گذاری از یک سو و عمل از سوی دیگر است، چه تجارت باشد چه صنعت چه زراعت چه دامداری.^۴

ششم. طبق شروط عقد مضاربه سرمایه باید مشخص و معین باشد و سود به‌دست‌آمده از همان تجارت باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱: ۲۱ - ۶۲)، درحالی که بانک سرمایه‌ها را جمع‌آوری و تجمیع می‌کند. سپس مجموع کلی را در تجارت‌های مختلف به کار می‌گیرد و سپس سودهای حاصله را تجمیع و بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کند. بنابراین سود حاصله نتیجه چندین تجارت است و سرمایه‌ها با هم تجمیع شده‌اند که طبیعتاً با اختلاط سرمایه، معین نیست سرمایه شخص در کدام تجارت به کار گرفته شده است.

هفتم. رابطه سرمایه‌دار و عامل رابطه وکیل و موکل نیست، درحالی که در بانک‌ها عنوان وکیل بودن بانک را مطرح کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۴۶)؛ مگر اینکه مراد از وکیل بودن بانک همان عنوان عامل در مضاربه باشد که در این صورت اشکال وارد نیست. ولی تطبیق عنوان وکیل بر آن بسیار دور از ذهن است.

هشتم. طبق عقد مضاربه، سرمایه باید در اختیار عامل قرار گیرد و خود او مجاز به به‌کارگیری سرمایه است، درحالی که بانک‌ها زمانی که سپرده‌ها را جمع‌آوری می‌کنند آن را در اختیار بنگاه‌های تحت اختیار خود یا بنگاه‌های ثالثی قرار می‌دهند تا با این سرمایه‌ها تجارت و سود حاصله را بین خود و بانک تقسیم کنند.

(ب) ماهیت ودیعه و امانت

طبق این نظریه، صاحبان سپرده به عنوان ودیعه و امانت سرمایه خویش را نزد بانک قرار می‌دهند. طبیعتاً اگر مالک اذن ندهد که بانک در آن‌ها تصرف کند، تصرف جایز نیست. و اگر تصرف کند، ضامن است. و اگر مالک اذن دهد یا راضی باشد، تصرف بانک جایز است. و اگر بانک با رضایت چیزی به عنوان سود یا بهره پرداخت کند یا بگیرد، حلال است.

بررسی و نقد

شهید ثانی ودیعه را این‌گونه تعریف می‌کند: «ودیعه به نیابت گرفتن در نگهداری است و این به نیابت گرفتن برای نگهداری. ذاتی عقد ودیعه است و ودیعه با دو طرف عقد تمام است و به ایجاب و قبول نیاز دارد و همان‌طور که شأن عقود جایز از دو طرف است با هر لفظی می‌توان آن را جاری ساخت، حتی با تلویح و اشاره، و برای قبول فعل کافی است.» (الشهید ثانی، ۱۳۸۶، ۴: ۲۲۷).

۱. طبق ماده ۵۵۸ قانون مدنی جمهوری اسلامی.

۲. طبق ماده ۵۵۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی.

۳. طبق ماده ۵۵۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی.

۴ ← پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی، ذیل موضوع ماهیت و حقیقت مضاربه. <https://makarem.ir>

و یکی از شرایطی که باید در ودیعه رعایت شود آن است که مستودع نباید در عین به‌ودیعه گذاشته شده نزد خود دخل و تصرفی کند و در صورت تعدی یا تفریط ضامن خواهد بود (الشهید ثانی، ۱۳۸۶، ۴: ۲۳۲).

همچنین طبق قانون مدنی ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه آن را مجانی نگاه دارد. ودیعه‌گذار مودع و ودیعه‌گیر را مستودع یا امین می‌گویند.^۱ در صورتی که شخص مال خود را به دیگری امانت دهد، با فوت وی ودیعه باطل می‌شود. در این مورد شخص امین باید مال مورد امانت را به وارثین ودیعه‌گذار تحویل دهد.^۲ نیز در صورتی که شخص مودع محجور شود، عقد ودیعه منفسخ می‌شود.^۳ و شخص امین مال مورد امانت را باید به همان حالتی که وجود دارد به ودیعه‌گذار رد کند.^۴ در این حالت امین نسبت به نقص در مال امانی، که مسبب نقص آن نیست، ضامن نیست. و از آنجا که در عقد ودیعه عین یا مال در دست امین و ودعی به امانت سپرده می‌شود و او حق تصرف در آن را ندارد، تطبیق عقد ودیعه با این نوع از سپرده‌های بانکی سازگاری ندارد و ناچار باید توضیح خاصی از ودیعه را مدنظر قرار دهیم؛ همان‌گونه که گفته شده است: «سپرده‌های بانکی امانت برخلاف قاعده می‌باشد و در واقع نوعی امانت مانند قرض است، با این تفاوت که در قرض گیرنده مال برای بهره‌جویی خود آن را قرض می‌نماید، ولی در این مورد گیرنده درخواستی ندارد و دهنده (امانت‌گذار) برای نفع خود آن را می‌سپارد.» (با تصرف: امامی، ۱۳۹۰، ۲: ۱۷۸). ولی این معنا هم دور از مبانی فقهی به نظر می‌رسد.

همچنین ودیعه بودن این نوع از سپرده‌ها گرچه به ذهنیت عرف عام نزدیک است و تلقی مردم از این سپرده‌گذاری‌ها تلقی امانت است، اشکالی که در اینجا مطرح است این است که آیا به امانت سپردن یک شیء خارجی به بانک مراد است یا امانت شیئی بر ذمه بانک؟

در صورت اول، طبیعتاً بانک همیشه باید به اندازه طلب مردم موجودی داشته باشد. زیرا وکالت در تغییر و تبدیل مفهومی است که می‌تواند در این امانت‌ها تصرف و آن‌ها را تبدیل به مثل کند و پول دیگری را به جای آن بگذارد، درحالی‌که در بانک‌های فعلی این‌طور نیست و هیچ‌گاه بانک ملزم نیست به‌اندازه کل طلب مردم موجودی و ذخیره داشته باشد. بنابراین نمی‌توان گفت که این امانت در شیء خارجی است.

و بنا بر صورت دوم، این امانت‌گذاری تبدیل به نوعی وام می‌شود و از ماهیت ودیعه خارج است. چون نه عین آن امانت موجود است نه عوض آن؛ درحالی‌که امانت باید وجود خارجی داشته باشد (با تصرف: مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۲۴ - ۱۲۹).

البته گروهی بر این باورند که باید مشکل ودیعه را با ارائه تعریف جدید حل کرد. بنابراین، سپرده را به عام و خاص تقسیم کرده و قائل شده‌اند: «در سپرده خاص، لازم است عین سپرده به صاحب آن مسترد شود و هدف از آن صرفاً نگهداری مال (اشیای قیمتی و گران‌بها) است. اما در سپرده عام توافق بر این است که معادل آن به سپرده‌گذار پرداخت شود و سپرده‌های بانکی از نوع دوم هستند.» (مقالات ارائه شده در هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳۷۶: ۹۸). یا اینکه همانند سنه‌وری، از حقوق دانان اهل سنت، از سپرده‌های بانکی به عنوان سپرده ناقص^۵ یاد کرده و گفته است: «قانون مدنی جدید چنین سپرده‌ای را به عنوان قرض تلقی کرده است. اما در فرانسه مبتنی بر نیت متعاقبین شده است. پس اگر قصد صاحب پول حفظ اموال خود باشد، ودیعه می‌باشد. اما اگر مقصود هر دو طرف سود بردن از آن از طریق به‌کارگیری آن باشد قرض نامیده می‌شود. و در صورتی که قبول‌کننده پول‌ها بانک باشد، قرض مخصوص نامیده می‌شود.» (السنه‌وری، ۲۰۰۹، ۵: ۴۲۹).

اما همان‌گونه که در تعریف ودیعه گذشت از نظر فقهی و حقوقی ودیعه دارای دو وصف اصلی است که سپرده این اوصاف را ندارد. اول اینکه فقط نیابت در حفظ مال به امین داده می‌شود و طبیعتاً مال بر ملکیت مودع باقی می‌ماند. دوم اینکه امین متعهد می‌شود تا عین مال را به مودع برگرداند، هرچند که عیب و نقصی در آن حاصل شده باشد. بنابراین، سپرده‌های بانکی را نمی‌توان

۱. ذیل ماده ۶۰۷ قانون مدنی.

۲. طبق ماده ۶۲۶ قانون مدنی.

۳. طبق ماده ۶۲۸ قانون مدنی.

۴. طبق ماده ۶۲۰ قانون مدنی.

۵. شهید صدر علت نام‌گذاری به «سپرده ناقص» را در این می‌داند که «بانک ملزم نیست دقیقاً همان پول‌هایی را که سپرده شده است در موقع تقاضا پرداخت نماید؛ چنان که سپرده‌گذار نیز نمی‌تواند از قبول پول‌هایی که بانک می‌دهد مادام که پول رایج کشور باشد خودداری کند.» (شهید صدر، ۱۴۰۱: ۸۴).

از باب ودیعه دانست. چون، بعد از سپرده گذاری، بانک خویش را مالک آن می داند و آنچه به عنوان امانت برگردانده می شود عین مال نیست و عمل نشدن به اوصاف اصلی یک عقد موجب فساد و بطلان آن عقد می شود.

گروهی دیگر از راه ودیعه مالیت سعی کرده اند به اشکالات سابق پاسخ دهند و در عین حال ملتزم به ودیعه بودن سپرده های بانکی باشند؛ با این توضیح که هر کالا و عین خارجی به لحاظ اوصاف و ماهیت خود سه مرتبه دارد: اوصاف شخصی، نوعی، قیمی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۰). اگر شخص سپرده گذار مال خود را به لحاظ وصف مالیت و قیمت به بانک دهد، به این بیان که بانک متعهد شود مالیت آن را به امانت و ودیعه نزد خود حفظ کند و هر وقت سپرده گذار اراده کرد آن مالیت را در قالب مال به او بازگرداند و تصرفی در وصف مالیت ایجاد نکند، مغایرتی با عقد ودیعه صورت نگرفته است. در واقع هیچ سپرده گذاری انتظار و توقع ندارد که حین بازپس گرفتن سپرده عین همان پول ها را بازپس گیرد و حفظ مال به حسب مالیت مورد نظر سپرده گذاران است و از طرفی بانک می تواند از مال به ودیعه گذاشته شده بر حسب قوانین موجود استفاده و در مقام رد مال نیز نسبت به رد مالیت عین تعهد خود را اجرا کند (علی شاهی قلعه جوقی و لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۶ - ۳۸). بنابراین می توان چنین عملیاتی را از آنجا که همه اوصاف اصلی ودیعه را دارد و با مقتضای امانت سازگار است ودیعه نامید و نیازی به نام گذاری خلاف قاعده و ناقص نیست.

ولی از آنجا که شارع مقدس اموال مردم را محترم می شمارد و در آن امر به احتیاط کرده است باید دقت بیشتری به آن داشت و مورد یادشده گرچه ظاهراً با معنای ودیعه سازگاری دارد، آنچه از اهل لغت در ریشه و اصل کلمه ودیعه گفته شده است این است که «ودیعه مأخوذ از «یدع» به معنی ترک و یا از «ودع یدع» به معنی سکون و استقرار است. چون ودیعه نزد مستودع رها و ترک شده و استقرار و سکون می یابد. و بعضی نیز آن را از «دعه» به معنی راحت و آسایش دانسته اند، بدین لحاظ که گویی ودیعه نزد مستودع در راحتی و آسایش می باشد؛ چون مورد استعمال و دستخوش و تبدیل قرار نمی گیرد.» (ابن قدامه، ۱۴۱۷ ق، ۶: ۴۳۶). و از جهتی ودیعه در اصطلاح فقها نایب گرفتن برای حفظ (اموال) است^۱ که در این صورت مفهوم عقد ودیعه آن است که مالی به منظور نگهداری به دیگری سپرده شود. بنابراین اگر معلوم شود مقصود طرفین از سپرده گذاری تنها نگهداری از مال نیست بلکه اهدافی همچون تجارت و سرمایه گذاری و به دست آوردن سود است، نباید رابطه آن دو را تابع قواعد مربوط به عقد ودیعه دانست (با تصرف: کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۴: ۱۱).

همچنین، با سپرده گذاری، بانک که مستودع است خود را، حتی بدون تفريط، ضامن خسارت مال مشتری می داند. چون به تلویح و به تصریح در قانون همه بانک ها ثبت است که بانک در هر حالتی، حتی در موارد سرقت از بانک، ضامن پول مشتری و سپرده گذار است.^۲ درحالی که، در فقه اسلامی، شخص ودعی و امین فقط در صورت کوتاهی (افراط و تفريط) ضامن است و لازمه امین قرار دادن کسی ضامن نبودن او نسبت به تلف آن مال است و مستودع در پذیرفتن عقد ودیعه سلامت مال امانی را تضمین نمی کند. این عدم مسئولیت مستودع به خاطر ید امانی بودن او و امانت مالکانه است.

اگر بخواهیم این مسئله را با شرط ضمنی خارج از عقد ودیعه جبران کنیم، به این صورت که در عقدی خارج از عقد اول بانک متعهد شود در هر صورت ضامن اموال سپرده گذاران باشد و مالکان با این شرط موافقت کنند، باید گفت شرط ضامن بر مستودع از جمله شروطی است که صحت یا عدم صحت آن با توجه به ذات عقد ودیعه مورد اختلاف فقها و حقوق دانان است. مثلاً گروهی معتقدند شرط ضامن بر مستودع منافی با مقتضای عقد نیست و به عناصر اصلی عقد خللی وارد نمی سازد (بروجردی عبده: ۳۰۱)، بلکه جهت تقویت در حفظ و نگهداری ودیعه یا تکمیل در احسان مستودع است. بنابراین شرطی صحیح است و تأثیری در بطلان عقد ندارد.

در توضیح این نظریه نوشته اند: «شرط ضامن بر مستودع تعهد او را در حفظ مال تقویت می کند و مفاد مواد ۶۴۲ و ۶۴۳ قانون مدنی نشانه آن است که قانون گذار مفهوم نیابت را با مسئولیت قراردادی مستودع در مورد بی تقصیری او قابل جمع می داند و شرط را مخالف نظم عمومی نمی بیند. لذا تردیدی در نفوذ شرط ضامن بر مستودع باقی نیست.» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۴: ۶۱). و

۱. «و قد عرفها بعض الفقهاء بأنها الاستنباه فی الحفظ و عرفها فی التذکره بأنها عقد یفید الاستنباه فی الحفظ.» (البحرانی، ۱۳۶۳، ۲۱: ۳۹۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۱۶: ۱۴۱).

۲. در بند «ج» ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور آمده است: «هر بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه مشتریان می شود مسئول و متعهد جبران خواهد بود.»

مؤید صحت شرط ضمان بر مستودع وجود شرط ضمان در عقد عاریه است.

قانون مدنی، در باب عقد عاریه می‌گوید: «اگر بر مستعیر شرط ضمان شده باشد مسئول هر کسر و نقصانی خواهد بود؛ اگرچه مربوط به عمل او نباشد.»^۱

از آنجا که عقد عاریه مورد ابتلای مردم است، قانون‌گذار وظیفه خویش دانسته تا شرط ضمان را به‌صراحت اعلام کند (بیات و بیات، ۱۳۹۴: ۳۰۴) و از طرفی می‌دانیم در عقد عاریه و ودیعه عین مال مورد امانت است و از این جهت تفاوتی بین آن‌ها نیست. بنابراین وجود شرط ضمان در عاریه نشان‌دهنده صحت آن در ودیعه است. و در مقابل گروهی معتقدند شرط ضمان بر مستودع برخلاف مقتضای ذات عقد ودیعه و باطل است. زیرا اثر مستقیم عقد ودیعه ایجاد ید امانی برای مستودع است. بنابراین شرط ضمان شرطی برخلاف مقتضای ذات عقد ودیعه و باطل است؛ به‌خصوص زمانی که ودیعه بدون اجرت باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۴۵).

ج) ماهیت قرض

گروهی با بررسی احتمالات سه‌گانه (قرض، امانت، عاریه) در سپرده‌های بانکی و ترتیب آثار هر کدام بر آن به این نتیجه می‌رسند که سپرده‌ها از نوع قرض و آثار قرارداد قرض بر آن جاری است. بنابراین، در این باره می‌نویسند: «سپرده‌های بانکی اگر به عنوان قرض باشد ... بانک می‌تواند در آن‌ها تصرف کند و شرط زیادی و گرفتن آن حرام است ... و اگر به عنوان امانت باشد در صورتی که اجازه تصرف نداده باشد بانک حق تصرف ندارد و در صورت تصرف ضامن است. اما در صورت اجازه تصرف و یا رضایت بعد از آن جایز است و آنچه بانک به سپرده‌گذار پرداخت می‌کند حلال است؛ مگر آنکه اجازه در چنین تصرفاتی قرینه بر قرض بودن آن باشد که در این صورت زیادی حرام است و ظاهر این است که سپرده‌ها از نوع قرض می‌باشد؛ اگرچه به اسم ودیعه باشد.» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۲: ۶۱۶، مسئله ۶).

گروهی از فقها، از جمله جناب شیخ انصاری^(۵)، قرض را این‌گونه تعریف می‌کنند: «القرض هو تملیک علی وجه ضمان المثل أو القیمه.» (انصاری، ۱۴۱۵، ۳: ۱۵)؛ قرض تملیک است به صورت ضمان مثل یا قیمت آن مال قرض‌گرفته‌شده. طبق این تعریف، عین قرض گرفته‌شده به ملکیت مقترض درآمده. ولی مقترض ضامن مثل یا قیمت آن عین می‌شود بدون اینکه توجهی به خود عین قرض گرفته‌شده داشته باشد. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که «خود عین به عهده قرض‌گیرنده می‌آید؛ البته با الغای خصوصیات شخصی آن عین. لذا در قرض به تعیین عوض نیازی نیست. چون قرض تملیکی است به همراه ضمان برای آنچه که مالک به مقترض داده است. بنابراین قرض مبادله دو مال مانند بیع نیست.» (الجواهری، ۱۴۰۵: ۱۱۴). در مقابل تعریف بالا، گروهی قائل‌اند: «تا زمانی که خود عین باقی‌ست شخص ضامن عین می‌باشد و چنانچه عین از بین رفته باشد ضامن مثل آن می‌باشد و چنانچه مثل وجود نداشت ضامن قیمت آن می‌باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۰).

بررسی و نقد

آنچه از بخش اخیر ماده ۴ قانون بانکداری برداشت می‌شود این است که «بانک‌ها بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه می‌کنند»؛ درحالی‌که مال قرض گرفته‌شده به ملکیت مقترض درمی‌آید و اگر تلفی صورت بگیرد از مال او تلف شده و این امر تفاوتی در پس دادن مال به مالک ایجاد نمی‌کند. چون در هر حال مقترض ضامن است، چه شرط ضمان شود چه شرطی وجود نداشته باشد.

بنابراین، وجود چنین قانونی در بخش اخیر ماده ۴ بیانگر این است که مال و سرمایه به عنوان قرض گرفته نشده است. پس نیاز به شرط ضمان است تا سپرده‌گذاران با اطمینان بیشتر مال خویش را به بانک بسپارند.

از طرفی دیگر، آثار عقد زمانی مترتب می‌شود که طرفین قصد انشای آن را داشته باشند و هرگاه عقدی بدون قصد یا به قصد اخبار یا قصد دیگری صادر شود اثری بر آن مترتب نخواهد شد (با تصرف: النراقی، ۱۴۱۷: ۱۵۹). بنابراین، طبق قاعده «العقود تابعه للقصد» انعقاد هر قراردادی متوقف بر قصد جدی طرفین است. این در حالی است که هنگام سپرده‌گذاری در بانک به ذهن سپرده‌گذار خطور نمی‌کند که وی در حال قرض دادن به بانک است، بلکه آنچه شخص را بدین کار واداشته کسب منفعتی از

۱. ماده ۶۴۲ قانون مدنی.

سپرده خویش است. در نتیجه، هنگام انعقاد قرارداد بین سپرده‌گذار و بانک قصد جدی سپرده‌گذار انعقاد قرض نیست تا آثار قرض بر آن مترتب شود. چون سپرده‌گذار در جهت به کار انداختن سرمایه خود و کسب سود اقدام به افتتاح حساب کرده است.

د) ماهیت وکالت

گروهی معتقدند در بانک‌های اسلامی سپرده‌گذاران سرمایه خود را به این عنوان به بانک می‌دهند که بانک از طرف آن‌ها وکالت داشته باشد این پول‌ها را به دیگران تحت عنوان مضاربه یا جعاله یا صلح بدهد و اشخاص نیز با رعایت ضوابط این عقود پول‌ها را در مجاری اقتصادی به کار بیندازند و منافع حاصله را بر اساس قرارداد خودشان تقسیم کنند. بنابراین با رعایت این ضوابط سپرده‌گذاری نه تحت عنوان قرض است نه ودیعه، بلکه رابطه بانک و صاحب سپرده در حساب‌های سرمایه‌گذاری رابطه وکالت است. بدین شرح که بانک سرمایه‌ها را به وکالت از صاحبان سپرده در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف، و جعاله به کار می‌گیرد.^۱

طبیعتاً بانک، برای اطمینان سپرده‌گذاران، اقدام به بیمه کردن اصل سپرده مدت‌دار می‌کند و متعهد می‌شود در هر صورت ضامن اصل سرمایه باشد. چون بانک وکیل سپرده‌گذاران است و می‌تواند با پرداخت حق بیمه از مال خود یا از مال موکّلان سپرده‌های یادشده را بیمه کند؛ کما اینکه به عنوان شریک سپرده‌گذاران می‌تواند ضرر احتمالی را به عهده بگیرد و پرداخت اصل سپرده را تعهد کند. و از جهت دیگر، بانک منافع حاصل از عملیات درج‌شده در قانون بانکداری اسلامی را طبق قرارداد متناسب با مدت و مبلغ سپرده، با رعایت سهم منابع بانک، پس از کسر هزینه‌ها و حق‌الوکاله، بین صاحبان سپرده تقسیم کنند.

نکته‌ای که در ماهیت وکالت حائز اهمیت است این است که بانک بعد از جمع‌آوری سرمایه و سپرده‌ها تمامی آن یا بخش مشاعی از آن را با سرمایه خود بانک تجمیع می‌کند و آن را در عملیات یادشده به کار می‌گیرد؛ به این معنا که صاحب سرمایه همراه با سایر سپرده‌گذاران و خود بانک، به عنوان شریک مالی، در عملیات یادشده سهم مشاع دارند. بنابراین، ماهیت این نوع سپرده در واقع ترکیب عقد وکالت همراه با شراکت در سرمایه‌گذاری است.

بررسی و نقد

ماهیت وکالت به‌ظاهر بیشترین سازگاری را با مفاهیم فقهی و قصد سپرده‌گذاران دارد و از این جهت از راه‌های قبلی بهتر است. و همچنین، در رابطه با پرداخت سود با مشکل ربا مواجه نیست. چون، به حسب ظاهر، سود پرداخت‌شده نتیجه به‌کارگیری سرمایه در عملیات مورد تأیید شرع مقدس است. ولی با بررسی و دقت در رابطه وکالت بین بانک و سپرده‌گذاران اشکالاتی مطرح است که به بیان آن می‌پردازیم:

اولاً، چنان که از ماهیت عملیات بانکی پیداست، سود بانک و به‌تبع آن سود سپرده‌گذاران به سود حاصل از معاملات یادشده بستگی دارد و سود برخی از آن معاملات چون مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، و سرمایه‌گذاری مستقیم در پایان دوره مالی مشخص می‌شود و از قبل قابل تعیین نیست. در نتیجه، سود کل بانک از قبل قابل تعیین نیست و به سود بنگاه‌های اقتصادی و به یک معنا کل اقتصاد بستگی خواهد داشت. ولی آنچه از عملکرد بیست‌ساله بانکداری بدون ربای ایران به دست می‌آید این است که نرخ انواع تسهیلات اعطایی و به‌تبع آن نرخ انواع سپرده‌های بانکی بر اساس واقعیتهای بازار و عملیات یادشده نیست، بلکه به صورت دستوری به وسیله شورای پول و اعتبار تعیین و به بانک‌ها ابلاغ می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳).

ثانیاً، همان‌گونه که گفته شد، این نوع سپرده‌ها متشکل از عقد وکالت و مضاربه است؛ درحالی که ضمانت و بیمه کردن سرمایه توسط بانک مربوط به هیچ‌یک از عقود گفته‌شده نیست. بنابراین باید عقد سومی نیز به این دو عقد اضافه شود تا نتیجه آن عملیات سپرده‌گذاری در بانک باشد.

طبیعتاً آنچه مطرح می‌شود به عنوان عقد سوم، عقد تأمین، یا بیمه است و شایسته است شروط این عقد را بررسی کنیم و نسبت به صحت آن در عملیات سپرده‌گذاری اطمینان حاصل کنیم. بیمه به عقدی گفته می‌شود که «به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارات وارده بر او را جبران نموده یا

۱. مطابق ماده ۳ تا ۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره).

وجه معینی پردازد»^۱. در واقع هر چیزی که دارای قیمت است و انسان نسبت به آن هراس دارد می‌توان آن را زیر پوشش بیمه قرار داد. عقد بیمه دارای شروطی است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۲: ۶۴۸)^۲ که رعایت آن ضروری است: ۱. تاریخ انعقاد قرارداد؛ ۲. اسم بیمه‌گر و بیمه‌گذار؛ ۳. موضوع بیمه؛ ۴. حادثه یا خطری که عقد بیمه به مناسبت آن به عمل آمده است؛ ۵. ابتدا و انتهای بیمه؛ ۶. حق بیمه؛ ۷. میزان تعهد بیمه‌گر در صورت وقوع حادثه. شرط سوم، که موضوع بیمه است، می‌تواند مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی، مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقای آنچه بیمه می‌دهد ذی‌نفع باشد.^۳ به عبارت دیگر، باید مشخص شود درخواست‌کننده بیمه چه چیز را می‌خواهد بیمه کند و نسبت به چه چیز هراس دارد. مثلاً گاهی می‌خواهد خسارت مالی او جبران شود و گاهی می‌خواهد خودش را در مقابل مرض و سوانح بیمه کند یا امور دیگر. بنابراین مشخص کردن غرض از تأمین ضروری است. و اما در رابطه با شرط چهارم، یعنی تعیین خطری که موجب خسارت است، به این معنا که مال یا نفس خود را در مقابل چه خطری بیمه می‌کند که شامل سوختن، غرق شدن، دزدی، بیماری، وفات، خسارت، و مانند آن است.

با توجه به آنچه آمد، اموالی که نزد بانک قرار داده می‌شود تا بانک به عنوان وکیل آن را به افراد ذی‌صلاح برای تجارت بسپارد می‌تواند به عنوان موضوع بیمه واقع شود. در نتیجه بانک می‌تواند به عنوان بیمه‌کننده، نه به عنوان وکیل، در عقدی مجزا متعهد پرداخت خسارت شود.

از این رو می‌توان گفت تعهد جبران خسارت توسط بانک مربوط به عقد مضاربه نیست تا موجب بطلان مضاربه شود، بلکه طبق شروط مضاربه اگر خسارتی وارد شود بر همه سرمایه‌گذاران وارد است؛ ولیکن سرمایه‌گذار چون در عقدی مجزا اموال خود را بیمه کرده است بانک به عنوان بیمه‌گذار خسارت را پرداخت می‌کند.

نتیجه

با توجه به اختلاف فقها در ماهیت سپرده‌های بانکی و احتمال وجود ربا در چنین معاملات بانکی، می‌توانیم با استفاده از عقود شرعی و ترکیب بعضی از آن‌ها با هم مشکل وجود ربا در معاملات مردم با بانک را حل کنیم؛ به این معنا که عقد وکالت در یک سو و عقد بیمه در سوی دیگر سبب می‌شوند عملیات سپرده‌گذاری و پرداخت بهره با مشکل ربا مواجه نشود. البته اگر بتوان اشکالات وارده بر عقد مضاربه را به نوعی حل کرد می‌توان گفت این سپرده‌گذاری متشکل از عقد وکالت، مضاربه، و بیمه است. ولی چنانچه مکلفی از قرائنی یقین حاصل کند که معامله او و بانک معامله قرض است ناچار احکام قرض بر آن بار می‌شود و پرداخت هر گونه زیاده حرام و رباست.

۱. ماده ۱ قانون بیمه، مصوب ۱۳۱۶/۰۲/۰۷.

۲. ماده ۳ قانون بیمه.

۳. ماده ۴ قانون بیمه.

منابع

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۱۷ ق). *المغنی*. محقق: حلو، عبد الفتاح، محمد، ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن. ریاض: دار عالم الکتب.
- امیدی، مجتبی (۱۳۸۲). *مبانی بانکداری داخلی*. تهران: بانک ملی ایران - اداره آموزش و مدیریت.
- الانصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق). *المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- البحرانی، یوسف (۱۳۶۳). *الحقائق الناصره فی احکام العترة الطاهرة*. قم: جماعه المدرسين.
- بروجردی عبده، محمد، (۱۳۸۰). *حقوق مدنی*. چ ۱. تهران: انتشارات گنج دانش.
- بیات، فرهاد و بیات، شیرین (۱۳۹۴). *شرح جامع قانون مدنی*. چ ۸. تهران: ارشد.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۰). *حقوق مدنی*. چ ۲۳. تهران: انتشارات اسلامی.
- بهمنی، محمد و بهمنی، محمود (۱۳۷۴). *بانکداری داخلی*. تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی به آدرس: <https://makarem.ir>
- الجواهری، حسن محمدتقی (۱۴۰۵ ق). *الربا فقهیاً و اقتصادیاً*. قم: بی جا.
- الحلی، الحسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- السنهوری، عبد الرزاق احمد (۲۰۰۹). *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*. بیروت، لبنان: منشورات الحلبي الحقوقیه.
- الشهید الثاني (۱۳۸۶). *الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیة*. تحقیق: السید محمد کلانتر.
- الشهید الصدر، سید محمدباقر (۱۴۰۱). *البنک اللاربوی فی الاسلام*. بیروت، لبنان: دار التعارف للمطبوعات.
- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحکام*. محقق / مصحح: حسن خراسان. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- علی شاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و لطیفی، سیده سعیده (۱۳۹۲). *بررسی نظریه ودیعه گذاری مالی در سپرده های بانکی*. دانش حقوق مدنی، ش ۳.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *ماهیت حقوقی سپرده های بانکی*. مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بانکداری اسلامی. مؤسسه عالی بانکداری.
- _____ (۱۳۸۹). *عقود معینی*. چ ۶ تهران: انتشارات سهامی.
- الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ ۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجتهد، احمد و حسن زاده، علی (۱۳۸۰). *پول و بانکداری*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- مقالات ارائه شده در هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، (۱۳۷۶)، مقاله دکتر محمود کاشانی، دهم و یازدهم شهریورماه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ الف). *بحوث فقهیه هامه*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- _____ (۱۳۸۰ ب). *ربا و بانکداری اسلامی*. تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- _____ (۱۴۲۵ ق). *أنوار الفقاهه*. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- الموسوی الاردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۱ ق). *فقه المضاربه*. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). *قواعد فقهیه*. تهران: مجد.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۳). *ارزیابی سپرده های بانکی و پیشنهاد سپرده های جدید*. *اقتصاد اسلامی*، ۴ (۱۵).
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۳۸۵). *رسائل المیزان القمی*. قم: بوستان کتاب.
- النجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. چ ۸. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- النراقی، أحمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ ق). *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ALBahrani, Y. (1984). *Al-Hadaiq Al-Nadhira Fi Ahkam Al-Etrah Al-Tahirah*. Qom: Jamat Al-Mudarrisin. (in Arabic)
- Al-Hilli, H. Y. (). *Tadhkirat Al-Fuqaha*. Qom: Al-Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. (in Arabic)
- Alishahi Ghal'ehjooqi, A. & Latifi, S. S. (2013). Examination of the Theory of Financial Deposits in Bank Deposits. *Civil Law Knowledge*, (3). (in Persian)
- Al-Jawahiri, H.M.T. (1405 AH). *Usury Jurisprudentially and Economically*. Qom: Bijaa. (in Arabic)
- Al-Kulayni, M. Y. (1407 AH). *Al-Kafi*. Edited/ Corrected by: Ali Akbar Ghaafari and Mohammad Akhundi. Fourth Edition. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyah. (in Arabic)
- AL-Najafi, M.H. (1986). *Jawaher Al-Kalam Fi Sharh Sharae Al-Islam*. Eighth Edition. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyah. (in Arabic)
- Al-Naraq, A. M.M. (1417 AH). *Awa'id Al-Ayyam Fi Bayan Qawa'id Al-Ahkam*. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)
- Al-Mousavi Al-Ardabili, S. A.K. (1421 AH). *Fiqh al-Madarabah*. Qom: Al-Nashar Institute for Al-Mufid Society. (in Arabic)
- Al-Shahid al-Sadr, S. M.B. (1401). *The Non-Usurious Banking in Islam*. Beirut, Lebanon: Dar al-Ta'aruf for Publications. (in Arabic)
- Al-Shahid Al-Thani (2007). *Al-Rawdah Al-Bahiyyah Fi Sharh Al-Lum'ah Al-Dimashqiyyah*. Researched by: Sayyed Mohammad Kalantar. (in Arabic)
- Al-Tusi, M. H. (1407 AH). *Tahdhib Al-Ahkam*. Edited by/ Corrected by: Hassan Khorasan. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyah. (in Arabic)
- Ansari, M. (1415 AH). *Al-Makasib*. Qom: World Congress in Commemoration of Sheikh Azam Ansari.
- Articles presented in the 8th Islamic Banking Seminar (1376). article by Dr. Mahmoud Kashani, 10th and 11th of September. (In Persian)
- Bahmand, M. & Bahmani, M. (1995). *Domestic Banking*. Tehran: Banking Institute. (in Persian)
- Bayat, F. & Bayat, Sh. (1394). *Comprehensive Commentary on the Civil Code*. Eighth Edition. Tehran: Arshad Publications. (in Persian)
- Boroujerdi Abdoh, M. (2002). *Civil Law*. 1st edition. Tehran: Ganj Danesh Publications.
- Emami, S. H. (2013). *Civil Rights*. Twenty-third edition. Tehran: Islamia Publications. (in Persian)
- Ibn Qudamah, A. A. (1417 AH). *Al-Mughni*. Edited by: Helou, Abdul Fattah, Mohammad, Turkie, Abdullah ibn Abdul Mohsen. Saudi Arabia, Riyadh: Dar AlAm Al-Kutub. (in Arabic)
- Katozian, N. (2005). Legal Nature of Bank Deposits. *Proceedings of the Sixteenth Islamic Banking Conference*. Banking Institute. (In Persian)
- (2010). *Specific Contracts*. Sixth Edition. Tehran: Joint Stock Publications. (in Persian)
- Mousavi Khomeini, R. (2013). *Tahreer Al-Wasilah*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (1425 AH). *Anwar Al-Fiqhah*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School Publications. (in Arabic)
- (2001a). *Important Jurisprudential Research*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School. (in Arabic)
- (2001b). *Usury and Islamic Banking*. Prepared and Edited by Abolghasem Aliannezhadi. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School Publications. (in Persian)
- Mirzai Qomi, A. Q. M.H. (2006). *Resale Al-Miza Al-Qomi*. Qom: Bustan Ketab. (in Arabic)
- Mojtahed, A. & Hassanzadeh, A. (2001). *Money and Banking*. Tehran: Monetary and Banking Research Institute. (in Persian)
- Mousavian, S. A. (2004). Evaluation of Bank Deposits and Proposal of New Deposits. *Islamic Economics*, 4(15). (in Persian)
- Mousavi Bajnowardi, S. M. (1385). *Principles of Jurisprudence*. Tehran: Majd Publications. (in Arabic)
- Office of Ayatollah Makarem Shirazi's Information Portal, <https://makarem.ir>. (in Persian)
- Omidie, M. (2003). *Fundamentals of Domestic Banking*. Tehran: Bank Melli Iran - Training and Management Office. (in Persian)
- Al-Sanhouri, A.R. A. (2009). *The Mediator in Explaining the New Civil Code*. Beirut, Lebanon: Al-Halabi Legal Publications. (in Arabic)